

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بررسی تعاریف «بیع»

بعد از بیان نکاتی در تعریف بیع، و اینکه بیع «تبادل در اضافه» است، و اینکه بین مالین یا ملکیتین هم فرقی وجود ندارد، اکنون به بررسی تعاریف رایج در بیع می پردازیم تا ببینیم از میان این تعاریف، کدامیک را باید اختیار کرد.

مرحوم شیخ(ره) از مصباح المنیر نقل کرد که بیع؛ «مبادلة مال بمال» هست. مرحوم آخوند خراسانی(ره) بر این تعریف مصباح اشکال کرده که؛ مبادله از باب مفاعله است و مفاعله در جایی است که «تشریک بین اثنين»، و فعل به دو نفر منتسب باشد، مثل مقاتله، و مرحوم آخوند(ره) فرموده ما می خواهیم بیع را بعنوان فعل صادر از بایع معنا کنیم، و در فعل صادر از بایع، مشارکت معنا ندارد.

نقد فرمایش مرحوم آخوند(ره)

نسبت به این فرمایش آخوند(ره)، دو اشکال مهم وجود دارد.

اشکال اول؛ از کجا می گوئید که «ما می خواهیم فعل صادر از بایع را معنا کنیم» ، ما در صدد این هستیم که ببینیم ماهیت معامله ای که بین دو نفر واقع می شود چیست؟ نه اینکه فعل صادر از بایع را معنا کنیم. بعبارة اخرى؛ ما در صدد تعریف بیعی هستیم که در فقه می گویند «کتاب البیع»، «بیع» در مقابل اجاره، «بیع» در مقابل هبه، «بیع» در مقابل صلح. بعبارة اخرى؛ مراد از بیعی که در روایات و نصوص آمده است که مثلاً می گوئیم «لزم البیع»، چیست؟ هیچ کس نمی گوید این بیع، آن فعل صادر از بایع است. «لزم البیع» یعنی معامله بیعی بین این دو نفر لازم است. پس ما را د از «بیع»، معامله بین این دو نفر است، نه خصوص فعل بایع.

اشکال دوم: محقق اصفهانی(ره) فرموده اگر استعمالات فصیح را دنبال کنیم، معلوم می شود که این مطلبی که قدما گفته اند که «مفاعله، بین الاثنين است»؛ «لا اساس له». می فرماید در قرآن کریم نیز باب مفاعله در حالی که مشارکت بین اثنين در آن نیست استعمال شده است، مثل آیه شریفه «وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» که «یهاجر» از باب مفاعله است و بین الاثنين هم نیست. یا جایی که می خواهند موفقیت کسی را ذکر کنند، می گویند «ساعده التوفيق» ، که «ساعده» بدون هیچ مشارکت بین الاثنين استعمال شده است. - نکته قابل توجهی را مرحوم آقای خوئی(ره) فرموده اند که؛ محقق اصفهانی(ره) برای اینکه به نتیجه برسند، دو بار قرآن را از اول تا آخر ملاحظه کرده است. باید دقت کرد که گاهی مواقع بزرگان ما برای يك تحقیق چقدر تلاش

می‌کنند تا به نتیجه برسند .

آنگاه از اصفهانی(ره) سؤال می‌کنیم که اگر باب مفاعله، بین الاثنین نیست، پس مفاد این هیأت چیست؟ می‌فرماید مفاد این هیأت، «مفاد تعدیه» است، برای «تعدیه الی غیر» می‌آید. مثلاً برای استعمال «کَتَبَ» بصورت متعدی، باید بنویسیم «کَتَبَ الیه» ، اما اگر همین را به صورت مفاعله بیاوریم، می‌شود «کَاتَبَهُ»، که این «هیأت مفاعله»؛ قائم مقام حرف جر است، یعنی قائم مقام حرف تعدیه است.

لذا ایشان اساساً منکر می‌شوند که مفاعله برای مشارکت و بین الاثنین باشد. این بحث در فقه جاهای زیادی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ در اول «باب مضاربه»، فقهاء همین بحث را دارند که با توجه به ماده ضرب، چگونه بین الاثنینی بودن مضاربه را معنا کنیم؟ لذا يك راه آنجا این است که همین مبنای محقق اصفهانی(ره) را طی کنند. همچنین در بحث حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، که «ضرار» بر وزن فعال است و آن هم از باب مفاعله است، آیا باید بین الاثنینی باشد یا نه این قاعده آنجا اساسی ندارد؟ پس مرحوم آخوند(ره) فرمود بجای اینکه بگوییم بیع؛ «مبادلة مال بمال»، بگوییم «تبدیل مال بمال» تا فعل بایع منظور باشد. لکن محقق اصفهانی(ره) بر ایشان اشکال کرد.

نقد فرمایش محقق اصفهانی(ره)

بر این فرمایش مرحوم اصفهانی(ره) اشکالاتی وارد می‌شود - که بعضی از اینها در کلمات برخی از اساتید و بزرگان ذکر شده است - :

اولین اشکال؛ این است که اگر هیأت مفاعله برای «تعدیه به غیر» است، گاهی مواقع؛ ماده، متعدی بنفسه نیست، مثل «هجر و هجرة» که لازم است و اگر به هیئت «هاجر» در آمد این هیأت او را متعدی می‌کند، اما گاهی مواقع؛ خود ماده متعدی بنفسه است، مثل «ضرب» ، اگر این هیأت را روی آن آوریم و «مضاربه» شد، آیا باید بگوییم تعدیه دومی هم به آن اضافه می‌شود، که هم «ماده»، عنوان تعدیه را دارد و هم «هیأت»، عنوان تعدیه را دارد؟ این که معنا ندارد و مستلزم لغویت است.

اشکال دوم: اینکه مرحوم اصفهانی(ره) می‌فرماید «هیأت مفاعله» قائم مقام حرف تعدیه است، یعنی همانطور که در «کَتَبَ الیه» □ «الی» مفید تعدیه است، هیئت «کَاتَبَهُ» نیز همان عمل را انجام می‌دهد. و این بدان معناست که نباید این هیأت با حرف تعدیه استعمال شود، در حالی که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» ، که «سَارِعُوا» با کلمه «الی» متعدی شده است. پس نمی‌توان گفت خود هیئت، قائم مقام حرف تعدیه واقع می‌شود.

این دو اشکالی است که بر قسمت دوم کلام مرحوم اصفهانی(ره) - که مدلول هیأت مفاعله برای تعدیه است - وارد است، اما بر مطلب اول ایشان - انکار بین الاثنین بودن مفاعله - اشکالی وارد نمی‌شود.

امام(رض) در کتاب البیع، جلد اول، صفحه 69، در اشکال به کلام مرحوم اصفهانی(ره) می‌فرماید؛ شما برای اثبات مدعای خود، موارد استعمالی را پیدا کردید، لکن استعمال، اعم از حقیقت و مجاز است. ملاک و محور اصلی ما، خود ائمه لغت هستند و برای دستیابی به قول لغوی و معنای حقیقی، راهی بهتر از تبادر نیست. آیا در اینجا تبادر وجود دارد یا خیر؟ ایشان می‌فرمایند بله، از این هیأت، بین الاثنین بودن تبادر می‌کند، منتها اینکه می‌گوییم بین الاثنینی است، باید تقابل بین دو چیز و دو طرف باشد، و ممکن است آن کسی که این تقابل را ایجاد می‌کند يك نفر باشد، مثل اینکه دو جسم در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند؛ «هذا مقابل لذاك»، که گرچه ایجاد تقابل بین این دو جسم توسط یک نفر بوده، اما خود تقابل، دو طرف لازم دارد. می‌فرمایند ما در «باب

مفاعله»، دو طرف لازم داریم نه اینکه دو شخص لازم داشته باشیم. لذا از آنجا که بایع، مبادله بین ثمن و مثن را انشاء می‌کند، اشکال ندارد که بگوییم بیع، «مبادله مال بمال» است. پس نتیجه گرفتیم که بودن کلمه «مبادله» مشکلی ایجاد نمی‌کند، مخصوصاً طبق بیانی که امام(ره) فرمودند.

تعریف مرحوم بحر العلوم(ره) از بیع

ایشان فرموده که «انشاء تمليك عين بعوض بشرط التراضي». فرق این تعریف با تعریف شیخ(ره) این است که؛ مرحوم شیخ(رض) می‌گوید «تمليك عين بمال»، ایشان به جای «مال» فرموده «عوض»، یعنی و لو اینکه آن «عوض»، «مال» نباشد. منتها قید «بشرط التراضي» را هم اضافه فرموده اند، که البته روشن است که این قید در ماهیت بیع دخالت ندارد. بله، بعداً می‌گوییم بیع صحیح آن بیعی است که در آن تراضی باشد، اما در ماهیت و حقیقت بیع، تراضی دخالت ندارد.

نقد مشترک بر تعریف شیخ(ره) و تعریف بحر العلوم(ره)

بر تعریف شیخ(ره) و بحر العلوم(ره) یک اشکال مشترک وارد است و آن اینکه هم در تعریف شیخ(ره) و هم در تعریف بحر العلوم(رض)؛ کلمه «انشاء» آمده است، در حالی که بیع، «انشاء» نیست. «انشاء» يك عنوان عام است. ما در تعریف «بیع» می‌خواهیم ببینیم «مُنشأ» چیست؟ با این انشاء بایع و مشتری چه چیزی ایجاد می‌شود؟ خود انشاء، بیع نیست. بعبارۀ آخری؛ خود ایجاب و قبول که بیع نیست، بلکه ما می‌خواهیم ببینیم آنچه که با ایجاب و قبول محقق می‌شود و بعد هم می‌گوییم «لزم البیع»، آن چیست؟ لذا این کلمه «انشاء» که در تعریف بیع آورده‌اند درست نیست.

تعریف مرحوم نائینی(ره) از بیع

مرحوم نائینی(ره) در کتاب منية الطالب، جلد اول، صفحه 45، فرموده «البيع تمليك عين بعوض في ظرف تملك المشتري». چرا محقق نائینی(ره) از تعریف شیخ عدول کرده است؟ ایشان به شیخ(ره) می‌فرمایند شما بیع را طوری معنا کردید که به ایقاع تبدیل شده است. می‌گویید همین که بایع، «تمليك عين بمال» کرد، این بیع است، مثل ایقاع. در حالی که «بیع» طرفینی است، باید طوری معنا کنید که طرفینی بودن او درست شود. لذا ایشان قید «في ظرف تملك المشتري» را هم اضافه کرده، یعنی در این ظرفی که مشتری قبول ملکیت می‌کند.

نقد مرحوم امام(ره) بر محقق نائینی(ره)

مرحوم امام(رض) فرموده‌اند که شما از چیزی که فرار می‌کنید در همان گرفتار شدید. شما به شیخ(رض) اشکال کردید که تعریف شما، بیع را به ایقاع تبدیل کرد، در حالی که تعریف خود شما هم همینطور است. شما می‌گویید «بیع، تمليك عين بعوض في ظرف تملك المشتري» است، و این هم ایقاع است. اگر ما بخواهیم آن را از ایقاع خارج کنیم باید بگوییم بیع، «تمليك و تملك» است؛ یعنی دو جزء دارد، يك جزء آن «تمليك» و جزء دیگرش «تملك» است. مگر اینکه در جواب امام عرض کنیم؛ مراد نائینی(ره) از «في ظرف تملك المشتري» همین است، و نمی‌خواهد بگوید خود «تمليك»، بیع است، منتها در این ظرف، یعنی بیع، تمليك و تملك است، هیأت اضافه اعتباری قائم به طرفین است و طرفینش عبارت از تمليك و تملك هستند.

تعریف محقق اصفهانی(ره) از بیع

محقق اصفهانی(ره) در حاشیه کفایه، تعریفی از بیع ارائه کرده که امام(ره) فرموده اند؛ این **اردع التعاريف** (بدترین تعاریف) است. محقق اصفهانی(ره) فرموده؛ بیع عبارت است از «**جعل شیء بازاء شیء**». ایشان در بیان علت چنین تعریفی برای بیع فرموده است؛ بر تعریف بیع، نقوض زیادی وارد است؛ یعنی ما مواردی داریم که بیع هست اما تملیک نیست. آنگاه شش مورد از این نقوض را بیان کرده است - که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم - یکی؛ بیع عمودین (پدر و مادر) است، اگر به کسی پدر یا مادر او را فروختند بلا فاصله آزاد می‌شوند، چون انسان مالک پدر و مادر خودش نمی‌شود. مرحوم اصفهانی(ره) می‌فرمایند از نظر شرعی، عرفی و عقلی، اینجا تملیک وجود ندارد. در تملیک هیچ فرقی بین زمان قصیر و طویل نیست. و موارد دیگر که برشمرده اند. لذا مرحوم اصفهانی(ره) می‌فرماید ما باید بایع را طوری معنا کنیم که مسئله تملیک در آن نباشد، و باید بگوییم «**بیع جعل شیء بازاء شیء**» است.

جواب استاد از نقض مرحوم اصفهانی(ره)

این نقضی که مرحوم اصفهانی(ره) کرده قابل جواب است، به این بیان که؛ بحث ما در مفهوم عقلانی بیع است نه اینکه در صدد معنای شرعی بیع باشیم، و نزد عقلاء، تملیک بر عمودین واقع می‌شود، لکن شرع، این ملکیت را امضا نمی‌کند و آن را رد کرده است.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین.